

دکتر ابراهیم قیصری

❖

نکته ازین معنی

شرح قصای بر غزل های حافظ

جلد اول



سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور:
 قیصری، ابراهیم ۱۳۱۵.
 یک نکته ازین معنی: شرح قیصری بر غزل‌های حافظ
 دکتر ابراهیم قیصری
 تهران: جامی، ۱۳۹۲.
 مشخصات نشر:
 مشخصات ظاهری:
 شابک:
 ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۰۸۰-۸
 ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۰۸۱-۵
 دوره: ۲-۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۰۸۲-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: شرح قیصری بر غزل‌های حافظ
 موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، ۷۹۲ق.
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۸ تاریخ و نقد
 بده بندهای کنگره: ۱۳۹۲ ی ۵۴۳۵ PIR
 رد بندی دیویی: ۸۱۶/۳۲
 شماره کتابخانه ملی: ۳۱۹۰۱۰۰



خیابان تشک چهارراه وید نظری، شماره ۵۲
 تان ۶۶۴۰

www.Jamipub.com info@jamipub.com

یک نکته ازین معنی (جلد اول)

شرح قیصری بر غزل‌های حافظ

تالیف: دکتر ابراهیم قیصری

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

چاپ: فراین

ناظر چاپ: مهدی دهقان

طرح جلد: امیر مسعود نیائی

حروفچین: سوسن خامنه‌ای

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۶-۰۸۰-۸



9 786001 760808

۴۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۹	یک نکته ازین معنی
۱۵۳۱	نمایه‌ها
۱۵۳۳	آیات، احادیث، امثال و حکم
۱۵۳۷	اصطلاحات، اشارات عرفانی و آراء سیدی
۱۵۵۰	ملتمعات
۱۵۵۲	کسان
۱۵۵۹	جای‌ها
۱۵۶۱	فهرست غزل‌ها
۱۵۷۷	مآخذ

شرح آن یاری که او را یار نیست

چندین سال پیش که در کمان دانشگاهی و دوستان دانشجوی، مصرّاً از بنده می‌خواستند به مطالبی که در کلاسهای من درج شده تقریر می‌کنم نظم و ترتیبی بدهم یعنی آنها را به رشته تحریر درآورم، تن می‌زدَم که می‌دانم این کمان به بازوی من نیست. در برخی موارد برای اینکه خواستاران و مشتاقان حافظ را از من تاضاً صرف سازم، مثالی می‌زدم و می‌گفتم: شرح کردن ابیات دیوان خواجه بدان می‌ماند شرح مثل، استاد گیاه‌شناسی، گل سرخ را با آن رنگ و بوی دلاویز، جزء به جزء از هم جدا و سریع کن. پس از پایان کار بر روی میز تشریح آزمایشگاه، شاگردان آن جلسه درس چه خواهند دید؟ من از آن مجموعه گل‌اوراق شده آیا همان لطف و لطافت پیشین پیش روی آنان جلوه گر خواهد شد؟ قطعاً نه! در موضوع شرح و تفسیر غزل‌های حافظ هم با چنین وضعیتی روبرو هستیم. مثلاً در این بیت که می‌فرماید:

من که ملول گشتمی از نَفَسِ فرشتگان قال و مقال عالمی می‌کش از نَفَسِ تو

آیا صرف معنی کردن کلمات بیت - که هیچ کدامشان هم ناآشنا نیست - کار می‌کند؟ فرضاً بیت را به نثر روان نوشتیم و شرح کردیم که این بیت، زیان حال روح ماست پیش از آنکه از جوار قدس الهی به عالم خاک فروافتد، آنجا چنین و چنان بود و حالا در این دیر خراب‌آباد به این حال و روز افتاده است که.... واقعاً حق مطلب را ادا کرده‌ایم؟ آیا حس می‌کنیم که گوینده در هنگام سرودن این بیت دستخوش چه هیجانات روحی بوده است؟ این روح پاک که با چنان جوهر لطیف و حسّاس، نفس فرشتگان را بر نمی‌تافت، چرا

بر نمی‌تافت؟ روح که خود از صنف و سنخ عالم بالا بود مگر نفس فرشتگان چه کیفیتی داشت و چه زبانی می‌رسانید که روح از همنشینی با آنان زبان می‌دید؟ اصلاً ماهیت فرشتگان چیست و نفس‌شان چگونه است؟ این «تو» کیست و این «قال و مقال» از چه کسانی است که روح اکنون باید آن را تحمل کند. همین‌طور بگیر و برو الی ماشاءالله!

به هر تقدیر، در این فرخنده ایام که فراغتی ناخواسته دست داد توانستم چندین بار یادداشتها و نوارهای صوتی کلاس درس حافظ، حواشی نوشته هایم بر دیوان حافظ، بازخوانی شروح و مقالات چاپ شده را سبک سنگین کم و توان خود را در این کار بسنجم، دیدم که مردم این بارگران نیست دل مسکینم! متصرف می شدم که مردی از غیب برون آمد و کار کرد یعنی مدیر فرهنگدوست انتشارات جامی عشقش کشیده بود که در سلسله انتشارات خود شرح غزلیات حافظ هم داشته باشد. ایشان که از ارادت بنده به حافظ بی خبر نبود از من خواستند که آن جمع پریشان یعنی یادداشتهایم را جمع و جور کنم و برای نوشتن شرح غزلهای تمام آمله سازم. با آنکه از پهنه کار و سختی راه آگاه بودم چون شیفته صفای باطن این مرد بودم، نیروی ناخودآگاه «قبلت» را بر زیاتم آورد، و زدم بر صف رندان و هر چه آباد

اما در عمل، با هجوم یاد و خاطرات ایام تدریس دل به سویی می‌رفت و قلم به سویی.
دل می‌گفت «ما قلم نمی‌نوشت. کلاس جامه جبر مرگب، سرب در آن ریخته بودند. وقتی
هم قلم از دست اطاعت می‌کرد دل، دستش را ز غوغا بود. اصولاً عیب کار هن اینست که به
سابقه کار معلّمی بیشتر اهل «گفتن» ام تا «نستن» و همیشه در مدت پنجاه و پنج سال «معلم
الاطفال» ی با «شنونده» و «پرسنده» ی آشنا سروکار داشتم تا «خواننده» ی نادیده و ناآشنا.
بنابراین نوشته‌هایی را که در این دفتر می‌خوانید با آن «گفتار» حیث لفظ و معنی و حس و
حال و شورانگیزی محیط کلاس درس حافظ متفاوت است، بی‌ماد نیست و خدا کند که
توانسته باشم اندکی از آن «گفتار» ها را در این «نوشتار» بی‌روح و رنگ انعکاس کرده باشم.
من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند!

با توجه به مسائل و مشکلات مبتلابه بازار نشر کتاب، شرحی که اکنون در دسترس شماست، شیرینی یال و دم و اشکم است. یعنی کتاب حاضر یک دهم یادداشت‌های تحقیقاتی است که بنده شرمندۀ برای این شرح تهیه و تدوین کرده بود. اما به دلیلی که اشاره شد ناگزیر شدم به اختصار برگزار کنم تا آنجا که حتی از نوشتن مقدمه لازم و درخور این پژوهش و تنظیم برخی قهارس نیز صرف‌نظر شده است. حتماً در این مختصرنویسی ممکن است بسیاری از دقیق و ظرایف سخن خواجه شیراز مورد شرح و بحث لازم قرار نگرفته باشد.

خوشبختانه درباره کلام قدسی حافظ آن قدر کتاب و مقاله هست که خواهندگان و علاقه‌مندان^۹ را در هر موضوع و مقال راجع به این شاعر بلندآوازه بی‌نیاز می‌سازد؛ از ترجمان احوالی گرفته تا شرح ابیات و بیان دقیقه‌های هنر شاعری خواجه اهل راز به فارسی و زبانهای دیگر مراجع و مأخذ بسیار در دسترس همگان قرار دارد. بنابراین در اینجا تنها به شیوه کار در این شرح بسنده می‌شود:

الف - مأخذ این شرح، دیوان حافظ به اهتمام علامه محمد قزوینی - دکتر قاسم غنی است. البته در برخی مواضع از ضبط چاپهای معتبر دیگر نیز استفاده شده، مثلاً در بیت «دهان تن شبرینش مگر ملک سلیمانست» که «مهر سلیمان» آورده‌ایم.

ب - پس از نقل هر بیت، نخست آن را به نشر بازگو کرده‌ایم. در این کار سعی شده تا سرحل امکات، صورت ظاهر معنی مقصود حافظ بازگو شود. در این مرحله ممکن است کلمه‌ای کم و زیاد شده باشد یا آنکه به اصل مطلب خدشه وارد شود.

ج - چون یزید می‌تواند آرایه‌ها - حتی در ابیات ساده - خود شرح و بسط جداگانه می‌طلبد گاهی از پرداختن به این رسم باشم پوشیده و جایی به اشاره مختصر چون صنعت ایهام - که از ویژگیهای بارز غزل خوان است - یا تلمیحات و تضمینات، چیزیکی نوشته‌ایم و این‌گونه توضیحات را تحت عنوان «نکات» یا «نکته» در این مورد، گاه ذیل شرح بیتی ۵، ۶ نکته آمده است.

د - در شرح برخی ابیات ممکن است ابهام، اشاره و نکته‌ای یا... برخورد شود که در غزلهای پیش از غزل مورد مطالعه توضیح داده شده اند و علی‌الرسم باید خواننده را به توضیحات قبلی ارجاع داد. بنده این کار را نکرده‌ام و به عباراتی کم و بیش مشابه یا برحسب موقعیت قرار گرفتن آن نکته در بیت، حرف تازه‌ای و مجدداً موضوع را شرح داده‌ام. زیرا حیقم آمد که شور و حال خواننده حتی برای لحظاتی هم به خواب رفته باشد و بماند و در پی جست‌وجوی معانی لازم به توزیع صفحات گذشته بپردازد.

ه - هر جا از فضیلتی حافظ‌پژوه و شارحان ارجمند کسب فیض شد و کلمه یا اصطلاحی گرفته باشم، پس از نقل مطلب، نام و نشان آن بزرگواران را قید کرده‌ام. همین جا از یکایک آن عزیزان که از خرمن فضل ایشان خوشه‌ای یا دانه‌ای برگرفته باید سپاسگزاری کنم. از این گونه بهره‌وریها دو نمونه می‌آورم: ترجمه آیات قرآن کریم از استاد بهاء‌الدین خرمشاهی برگرفته از قرآن کریم (انتشارات نیلوفر - انتشارات جامی) و پارسی کرده «ملمعات» حافظ به قلم شیوای استاد دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی (به نقل از حافظ به سعی سایه).

از میان ده‌ها نام که برای این شرح در نظرم بود - و همگی ریشه در اقدیشه و شعر حافظ داشت - سرانجام به صوابدید ناشر محترم و تایید و تأکید دوست دیرین آقای دکتر محمد دهقانی، عنوان «یک نکته از این معنی» برگزیده شد، با عنایت به این بیت خواجه که فرمود:
کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد
البته توضیح و اوضحات است که مقصود نگارنده این نیست که هر تکتی و مطلبی که در شرح غزل‌های حافظ نوشته‌ام «ردخور ندارد» و همین است و بس!
در پایان از آقای حسین دهقان منشادی مدیر صاحب فضیلت انتشارات جامی که در تنگنای مسایل مالی و مادی نشر کتاب، برای طبع و نشر این اثر همت گماشتند کمال تشکر دارم همچنین به حروف‌نگاران موسسه کوشش دست مریزاد می‌گویم.

ابراهیم قیصری

بیستم اردیبهشت ۱۳۹۲، تهران